

شماره اخیر نشریه انجمن بین‌المللی مطالعات ایرانی در ماه سپتامبر ۲۰۰۹ (شماره ۴ از مجلد ۴۲) منتشر شده است. سردبیر نشریه دکتر محمد علی همایون کاتوزیان از دانشگاه آکسفورد و دستیاران سردبیر دومینیک بروکشاو<sup>۱</sup> از دانشگاه منچستر و حسین شهیدی از دانشگاه امریکایی لبنان هستند.

عناوین و نام نویسندگان هشت مقاله به چاپ رسیده در این شماره، به ترتیب، عبارتند از:

«سینمای ایران در قرن بیستم: تاریخچه‌ای حس‌یافتی»<sup>۲</sup>؛ نگار متحده / «انتقال اصلاحات: نمایندگان پارسیان [هند] در قرن نوزدهم برای ایجاد تغییرات در میان زرتشتیان ایران»؛ مونیکا رینگر<sup>۳</sup> / «زرتشتیان ایرانی مقیم کانادا: هماهنگی هویت مذهبی و فرهنگی»؛ ریچارد فولتز<sup>۴</sup> / «مطالعات ایران باستان در قرن بیستم»؛ تورج دریایی / «مردانگی آواره: جنسیت و قومیت در مردان ایرانی مقیم سوئد»؛ شهرام خسروی / «مطالعات ایرانی در دانشگاه تورنتو»؛ ریوان سندلر<sup>۵</sup> / «انتخابات مجلس هشتم در

1. Dominic Brookshaw  
3. Monica Ringer  
5. Rivanne Sandler

2. Sensory History  
4. Richard Foltz

جمهوری اسلامی ایران: شکافی در صفوف محافظه‌کاران و سیاست‌های میانه‌روی؛  
کاوه سیروس سنندجی.

اینک مرور مطالب برخی از این مقالات:

تاریخ سینمای ایران، همراه با عکس‌هایی از اولین تصاویر متحرک موجود در آرشیو سینمای ایران، اعلان‌های اولین فیلم‌های به نمایش درآمده مانند (دختر لر) و سپس عکس‌هایی از فیلم (باد ما را با خود خواهد برد) ساخته عباس کیارستمی، در مقاله سینمای ایران در قرن بیستم... شرح داده شده تا «چگونگی تلفیق دریافت‌های حسی در طول این تاریخ و گسترش آن از طریق فن‌آوری فیلم‌سازی» مورد بحث قرار گیرد. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که محتوای فیلم‌های ایرانی که امروزه در فستیوال‌های جهانی مطرح می‌شوند، بیشتر حاکی از پندارهایی ست درباره ناکجاآبادی به نام ایران. این فیلم‌ها فاقد داستان و روایت هستند و پرداختن به امور مذهبی و سیاسی در آنها دست‌کم در درجه دوم قرار دارد. از این رو اگرچه این فیلم‌ها محتوای ملی‌گرایانه دارند، اما آن را می‌بایست بیشتر مبتنی بر برداشت‌هایی حسی از ملیت ایرانی تلقی نمود تا روایت‌هایی واقع‌گرایانه.

۱۶۷

مقاله انتقال اصلاحات...، پس از اشاره به برقراری رابطه مجدد مابین مهاجرین زرتشتی تبار ساکن هند (پارسیان) و هم‌کیشان ایرانی آنان در نیمه قرن نوزدهم و تشکیل انجمنی از جانب پارسیان هند برای بهبود شرایط زندگی زرتشتیان در ایران، به اهمیت نقش نماینده‌ای پرداخته که برای به سرانجام رسانیدن هدف مزبور، در حدود سال‌های ۶۰-۱۸۵۴ م، از هند راهی ایران می‌شود. این شخص که مَنکجی هاتاریا<sup>۱</sup> نام داشته «جامعه زرتشتیان ایران» را بنیانگذاری می‌کند و فعالیت‌های متنوعی را از طریق آن آغاز می‌نماید، همچنین به ایجاد تغییراتی در مناسک و عقاید مذهبی زرتشتیان ایران دست می‌زند. از مهمترین اقدامات او در زمینه حمایت از حقوق اجتماعی آنان مجاب نمودن حکومت وقت (قاجاریه) به توقف اخذ جزیه از زرتشتیان بوده است. تفکر اصلاح‌طلبانه هاتاریا و ارتباط کیش زرتشتی با هویت ایرانی که در نوشته‌های به‌جا مانده از هاتاریا مطرح شده، محور اصلی این مقاله است.

مطالب مربوط به زرتشتیان ایرانی مقیم کانادا... شاید به نوعی در ادامه موضوع مقاله قبلی باشد: «اگرچه تبعید از برخی جهات موجب اتحاد ایرانیان و پارسیان در جنوب آسیا شده بود، اما زرتشتیان - پس از گذشت بیش از هزار سال زندگی در

حوزه‌های جغرافیایی جداگانه و دوری از یکدیگر که گاهی علی‌رغم اعتقاد به عبادتگاه‌های مشترک، موجب تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی آنان با یکدیگر نیز شد. امروزه در کشور کانادا یکی از بزرگترین و فعال‌ترین مجامع زرتشتی جهان را به وجود آورده‌اند. زرتشتیان ایرانی مقیم کانادا در زمینه‌هایی با هم‌کیشان زرتشتی خود مشترکند، در برخی زمینه‌های اجتماعی با هم‌وطنان ایرانی‌شان مشارکت دارند، و در عین حال همراه با سایر شهروندان کانادایی فعالیت‌های مشترکی انجام می‌دهند. اما به‌رغم همه اینها، در حد بسیار قابل توجهی به عنوان اجتماعی مستقل از هر سه گروه یاد شده، به حیات خویش ادامه می‌دهند. روایت مترقی ایشان از زرتشتی‌گری سایر مجامع زرتشتی در سراسر جهان و از جمله ایران را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین فعالیت‌های گسترده ایشان برای ترویج و شناساندن فرهنگ ایرانی باعث شده به عنوان «ایرانیان اصیل» شناخته شوند.»

مقاله مطالعات ایران باستان در قرن بیستم ابتدا تحولات به‌وجود آمده، در حوزه‌های متعدد علمی، طی قرن بیستم را که موجب پیشرفت در مطالعات ایران باستان شده است، یک به یک بررسی می‌کند؛ حوزه‌های فلسفه، ادیان، باستان‌شناسی، و تاریخ. همچنین به این موضوع می‌پردازد که این دستاوردها چگونه نگرش ما را نسبت به ایران باستان تغییر دادند و بر شکل‌گیری هویت مدرن ایرانی تأثیر نهادند. بهره‌گیری یا سوءاستفاده‌هایی که دولت‌ها از کشفیات به دست آمده از دوران هخامنشیان، ساسانیان، و اشکانیان صورت داده‌اند نیز از مباحث مطرح شده است. نویسنده معتقد است امروزه مطالعات ایران باستان در خارج از ایران به دلیل محوریت داشتن تمدن اروپایی و تمایل به مطالعه تاریخ تمدن هلنی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در داخل ایران نیز، چون طبیعتاً به دوران پیش از ورود اسلام به ایران مربوط است، چندان ارزشمند تلقی نمی‌شود تا امکانات لازم را به آن اختصاص دهند. بنابراین این مؤسسات، محققان، و علاقمندان هستند که می‌توانند به این حوزه کوچک مطالعاتی برای ارائه بخشی از دستاوردهای خارق‌العاده خود درباره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان یاری رسانند. چنین کاری برای درک نحوه شکل‌گیری تمدن جهان ضرورت دارد، تمدنی که نقش چشمگیر ایرانیان در ایجاد آن همچنان ناشناخته مانده است.

تأثیر متقابل قومیت و جنسیت در مردان ایرانی مهاجر مقیم سوئد موضوع اصلی مقاله مردانگی آواره... است؛ جابجایی جغرافیایی که باعث شده مفهوم مردانگی ایرانی از یک سو در برابر زنان ایرانی که در پی آزادی هستند، زیر سؤال برود و از سوی

دیگر در جامعه میزبان تعریف متفاوتی پیدا کند و در فرهنگ عمومی و رسانه‌های جمعی سوئد به مردانگی بدوی تعبیر شود. نویسنده برای تشریح این پدیده اجتماعی از واژه Gaze، معادل نگاه خیره، استفاده کرده و درباره کاربرد آن در کنش‌های دیداری می‌نویسد: «بعد دیداری خنثی نیست. نگاه مجموعه‌ای از سلسله کنش‌های درهم تنیده‌ای است که وجوه نژادی، طبقاتی و جنسیتی را در بر می‌گیرد.» وی سپس به کاربرد این واژه در نظریات سارتر و فراتز فانون اشاره می‌نماید: «سوژه (کسی که نگاه می‌کند) ابژه (کسی که نگریسته می‌شود) را از نو می‌سازد و بنابراین فردیت او در خارج از ذهنیت خود را نادیده می‌انگارد.» به همین دلیل «نگاه» (Gaze) کنش غیرمغرضانه دیدن نیست؛ شناختی است تعیین‌کننده درباره اینکه چه چیزها و چه کسانی دیدنی و یا غیرقابل دیدن هستند.» نگاه ناشی از تفاوت‌های جنسیتی و نژادی از شناخته‌شده‌ترین انواع کنش اجتماعی یاد شده است؛ بنابراین همان‌طور که نگاه مردانه قدرت هنجارگذاری و مشخص نمودن تعریف زن و بدن زنانه را در اختیار دارد و اصطلاح‌هایی مانند «چشم‌چرانی» در فرهنگ ایرانی حاکی از همین نگاه ناشی از تفاوت جنسیتی است، به کار بردن اصطلاحاتی نظیر مردانگی بدوی، درباره مردان مسلمان یا ایرانی در جامعه سوئد، که در رسانه‌های جمعی سوئد مطرح می‌شود، نیز برخاسته از نگاهی است که این مردان را بدون در نظر گرفتن خصوصیات فردی و پیشینه تاریخی و فرهنگی آنان مورد قضاوت قرار می‌دهد.

مراسم چهلمین سالگرد تأسیس انجمن بین‌المللی مطالعات ایرانی در دانشگاه تورنتو (ISIS) موقعیتی برای ارائه تحقیق و گزارش درباره رشته مطالعات ایرانی در دانشگاه تورنتو فراهم آورده است. در این مقاله ابتدا به چگونگی تشکیل این رشته، در سال ۱۹۶۱ م، به عنوان زیرمجموعه دپارتمان مطالعات اسلامی، اشاره شده و سپس چگونگی تبدیل آن به بخشی از دپارتمان تمدن‌های خاورمیانه و خاور نزدیک شرح داده شده است. این رشته هم‌اکنون دارای کادر علمی گسترده‌ای است که در حوزه‌های متعدد ایران‌شناسی به تحقیق و تدریس می‌پردازند. گرچه مباحث متعدد مربوط به مطالعات ایرانی در بسیاری از دانشگاه‌های سرتاسر کانادا، از ویکتوریا تا هالیفاکس، تدریس می‌شود، تنوع دروس و موضوعات تحقیقاتی رشته ایران‌شناسی که در دانشگاه تورنتو ارائه می‌گردد، در کشور کانادا بی‌نظیر است. سنت آکادمیک دانشگاه تورنتو، بورسیه‌هایی که به اعضای اولیه هیأت علمی تعلق گرفته، و همچنین مهاجرت ایرانیان، از دلایل مؤثر در ایجاد رشته مطالعات ایرانی در تورنتو عنوان شده است.

از بین کتاب‌های بررسی شده در این شماره می‌توان به کتاب *Reading Chubak* (مطالعه چوبک) نوشته محمدرضا قانون‌پرور، اشاره کرد که درباره آثار صادق چوبک و به‌خصوص سنگ صبور است و پل اسپارچمن<sup>۱</sup> آن را بررسی کرده است.

کتاب *Exploring Iran* (سیاحت در ایران) مجموعه عکس‌های اریک اشمیت<sup>۲</sup> به کوشش گورسان سالزمن<sup>۳</sup> که در سال‌های ۱۹۳۰ - ۱۹۴۰ م. گرفته شده، شامل عکس‌هایی است از سایت‌های باستان‌شناسی دامغان، تپه حصار، و تخت جمشید. علی‌به‌داده در مقاله نقد و بررسی این کتاب نوشته که عنوان این کتاب به محتوای آن ربطی ندارد؛ عکس‌ها حاصل فعالیت‌های تخصصی اشمیت به عنوان یک باستان‌شناس است، و نه یک سیاح. اکثر عکس‌ها توسط دو عکاس لهستانی و روس به نام‌های بوریس دوبنسکی<sup>۴</sup> و استانیسلاو نیدزویکی<sup>۵</sup> گرفته شده است که جزو گروه اشمیت بوده‌اند. شاید دلیل انتخاب این عنوان توسط سالزمن وجود عکس‌هایی با موضوعات مردم‌شناسی در کنار سایر عکس‌ها، درون این مجموعه باشد.



## Iranian Studies

Journal of the International Society for Iranian Studies

EDITOR

Homa Katouzian, *University of Oxford, UK*

ASSISTANT EDITORS

Dominic Brookshaw, *University of Manchester, UK*

Hossein Shahidi, *Lebanese American University, Lebanon*

BOOK REVIEW EDITORS

Roham Alvandi (History), *University of Oxford, UK*

Cyrus Shayegh (Social Science), *American University of Beirut, Lebanon*

Rivanne Sandler (Literature and Culture), *University of Toronto, Canada*

1. Paul Sparchman

3. Gürsan Salzmann

5. Stanislaw Niedzwiecki

2. Erich F. Schmidt

4. Boris Dubensky

# CONTENTS *Iranian Studies*, volume 42, number 4, September 2009

## ARTICLES

- NEGAR MOTTAHEDEH *Iranian Cinema in the Twentieth Century: A Sensory History* 529
- MONICA RINGER *Reform Transplanted: Parsi Agents of Change amongst Zoroastrians in Nineteenth-Century Iran* 549
- RICHARD FOLTZ *Iranian Zoroastrians in Canada: Balancing Religious and Cultural Identities* 561
- TOURAJ DARYAEE *The Study of Ancient Iran in the Twentieth Century* 579
- SHAHRAM KHOSRAVI *Displaced Masculinity: Gender and Ethnicity among Iranian men in Sweden* 591
- RIVANNE SANDLER *Iranian Studies at the University of Toronto* 611
- KAVEH-CYRUS SANANDAJI *The Eighth Majlis Elections in the Islamic Republic of Iran: A Division in Conservative Ranks and the Politics of Moderation* 621

## REVIEWS

- PAUL SPRACHMAN M.R. Ghanoonparvar, *Reading Chubak* 649
- RULA ABISAAB Sabrina Mervin, ed., *Les mondes chiites et l'Iran* 653
- REZA AFSHARI Mehrangiz Kar, *Crossing the Red Line: The Struggle for Human Rights in Iran* 659
- MAZIAR BEHROOZ Anoushiravan Ehteshami and Mahjoob Zweiri, *Iran and the Rise of its Neoconservatives: The Politics of Tehran's Silent Revolution* 662
- ARASH KHAZENI Stephanie Cronin, *Tribal Politics in Iran: Rural Conflict and the New State, 1921-1941* 664
- SAÏD AMIR ARJOMAND Ziba Mir-Hosseini and Richard Tapper, *Islam and Democracy in Iran: Esbkevari and the Quest for Reform* 666
- ALI BEHDAD Farhang Rajace, *Islamism and Modernism: The Changing Discourse in Iran* 666
- ALI BEHDAD Ayşe Gürsan-Salzmänn, *Exploring Iran: The Photography of Erich F. Schmidt, 1930-1940* 670